گفت‌وگوی «جوان» با زینب سوداچی نویسنده کتاب «برایم حافظ بگیر» با موضوع سردار شهید شعبان نصیری

حاج قاسم گفت شهید نصیری شیشه عطری است که باید درِ آن را برداشت

«برایم حافظ بگیر» حاوی دستورات عملی، ساده و کاربردی در جهت رسیدن به تکامل است

■ زینب امجدیان

سردار شعبان نصیری که از یادگاران هشت سال دفاع مقدس بود، سابقه حضور طولانی در جبهه مقاومت را نیز داشت. ابتدا به سوریه رفت و در دفاع از حرم و جهاد با تکفیری‌ها نقش مؤثر و برجسته‌ای ایفا کرد. این فرمانده جهادی در عراق نیز به دفاع از حرم اهل بیت (ع) پرداخت و با داعشی‌ها نبرد کرد. سرانجام در شب اول ماه رمضان سال ۱۳۹۶ در جریان عملیات آزادسازی موصل از اشغال تکفیری‌ها به شهادت رسید. آیین بزرگداشت دومین سالگرد شهادت این شهید مدافع حرم ۲۸ خردادماه امسال در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی برگزار و طی آن از کتاب مجموعه خاطرات این شهید رونمایی شد. کتاب «برایم حافظ بگیر» نوشته زینب سوداچی روایت زندگی سراسر اخلاص و جهاد این فرمانده گمنام است و حاصل گفت‌وگو با بیش از ۱۰۰ نفر از همرزمان، دوستان و نزدیکانش از جمله سرلشکر حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس فرمانده حشدالشعبی عراق. این کتاب در ۳۴۴ صفحه از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. «جوان» با نویسنده این کتاب گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید.

■■■

آشنایی شما با شهید نصیری چگونه شکل گرفت؟

دهه ۷۰ که من دانش‌آموز دوره دبیرستان مدارس شاهد بودم ایشان به مدرسه ما آمد. شهید نصیری در رسیدگی به امور فرهنگی فرزندان شهدا اهتمام ویژه‌ای داشت و برای همین هم به مدارس شاهد می‌رفت. در این کار جمعی از فرزندان شهدا نیز با وی همکاری می‌کردند. آن حضور در مدرسه زمینه‌ساز آشنایی من با ایشان بود. در امور تربیتی و فرهنگی تحت تأثیر شهید قرار گرفتم و می‌توانم بگویم در این زمینه حق استادی بر گردن من دارد. تأثیر زیادی بر زندگی من داشت و مسیر درست زندگی را به من نشان داد. مدتی بعد هم با فرزند ایشان ازدواج کردم و عروس این خانواده شدم.

این کتاب اولین تجربه شما در نویسندگی بود یا تجربه دیگری هم داشتید؟

اولین تجربه جدی من است. پس از شهادت شهید نصیری سه کتاب با عنوان‌های «کریمانه»، «دلیرانه» و «رایحه» را کار کردم. البته من اعتقاد زیادی به کار تیمی دارم. همه کارهایی که تا به حال انجام داده‌ام نتیجه کار تیمی بوده است.

خودتان سراغ این سوژه رفتید یا صرف نسبت فامیلی یا همان رابطه استاد شاگردی شما را به اینجا رساند؟

اولین چیزی که باعث شد سراغ این کار بروم فرمایشات و تأکیدات رهبر عزیزمان مبنی بر بیان سبک زندگی شهدا و الگوپذیری جامعه از زندگی آنها بود. من این شهید را از نزدیک درک کرده بودم و با توجه به شخصیت منحصربه‌فردی که در ایشان می‌دیدم، بر خود واجب دانستم شهید نصیری را به دیگران معرفی کنم. با توجه به اینکه حاج شعبان از شهدای معاصر است، شناخت ابعاد مختلف و ویژگی‌های شخصیتی ایشان این امید را در دل ایجاد می‌کند که پس می‌شود در شرایط امروزی هم اینقدر خوب بود. وقتی آرزوی خوب بودن ولو در شرایط بد در دل ایجاد شود، آن وقت کتابی همچون «برایم حافظ بگیر» می‌تواند چراغ راه باشد.

به قول حاج قاسم سلیمانی شهید نصیری مثل شیشه عطری است که باید درِ آن برداشته شود تا عطرش در جامعه منتشر شود. این شهید به دلیل تواضع بالایی که داشت تا پیش از شهادت شناخته نشد و حالا وظیفه ماست که او را به عنوان الگویی ناب معرفی کنیم. خواندن این کتاب را به همه مردم سرزمینم مخصوصاً جوان‌ها توصیه می‌کنم. این کتاب حاوی دستورات عملی، ساده و کاربردی در جهت رسیدن به تکامل است. قالب کتاب، طوری انتخاب شده است که هر کس هرجای آن را باز کند، حتی اگر فقط دو صفحه‌اش را بخواند، نکته‌ای بیاموزد. چیزی که بتواند به سادگی آن را در زندگی شخصی‌اش به کار بندد و ثمراتش را ببیند.

این کتاب ماحصل همکلامی با چه کسانی است؟

این کتاب مختص گفته‌ها و برداشت‌های یک نفر نیست. یکی از محاسن کتاب این است که نزدیک به ۱۰۰ نفر دریافت خود را از شخصیت شهید روایت کرده‌اند؛ افرادی با سن و جایگاه و حتی دیدگاه متفاوت و جالب اینکه در برخی مواقع، حتی کلماتی که در مورد این شهید به کار می‌بردند هم مشابه بود. شاید اگر یک نفر مطالب را بیان کند، باورپذیری آن سخت باشد، ولی وقتی ۱۰۰ نفر درباره موضوعاتی متفق‌القول باشند، انسان آن را راحت‌تر می‌پذیرد.

سبک نگارش کتاب چگونه است؟

من سبک روایی را انتخاب کردم. تلاشم بر این بود که در بیانات مصاحبه شوندگان تا حد امکان دخل و تصرفی که منجر به تغییر محتوا شود، صورت نگیرد. این کارم را سخت‌تر می‌کرد. ویرایش متون با دقت نظر فوق‌العاده‌ای در چندین مرحله انجام شد. در کار داستانی نویسنده ملزم نیست سیر حقیقی و واقعی را به صورت کامل حفظ کند و اجازه دخل و تصرف دارد. به همین دلیل، البته با توجه به جایگاهی که ایشان داشت بنا به ضرورت‌های امنیتی شاید مواردی از محتوای مصاحبه‌ها حذف شده باشد، ولی با اطمینان می‌توانم بگویم محتوای خاطرات صددرصد حقیقی و بدون کوچک‌ترین بزرگنمایی است.

تدوین کتاب چقدر زمان برد؟

نمی‌توانم بگویم این کتاب ماحصل چند ساعت مصاحبه است، چون برای این کار، یک تیم وقت گذاشته و دو سال تمام برای این پروژه زمان صرف شده است. این کتاب روایتی است داستانی از زندگی سراسر اخلاص و جهاد این فرمانده گمنام که در آن با بیش از ۱۰۰ نفر از همرزمان، دوستان و نزدیکانش مصاحبه شده است. این کتاب در ۳۴۴ صفحه توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است.

چرا نام «برایم حافظ بگیر» را انتخاب کردید؟ پیشنهاد خودتان بود؟

شهید حاج شعبان نصیری به اشعار حافظ علاقه‌مند بود. در دورهمی‌ها گاهی برای افراد فامیل به حافظ تفأل می‌زد و خاطره ماندگار آخرین مرتبه‌ای که برای من تفألی از حافظ گرفتند موجب نامگذاری این کتاب شد.

به عنوان نویسنده کتاب و با توجه به آشنایی ویژه شما با این شهید فکر می‌کنید چه عواملی در شکل‌گیری شخصیت دینی و انقلابی ایشان بیشترین نقش را داشته است؟

به نظرم انقلاب اسلامی و شخص حضرت امام(ره) بیشترین اثر را در شکل‌گیری شخصیت دینی و انقلابی این بزرگوار داشتند. سردار حاج شعبان نصیری که از یادگاران هشت سال دفاع مقدس بود در قرارگاه فوق سری نصرت نیز حضور مؤثری داشت و فعالیت‌های گوناگونی را در کنار فرماندهان این قرارگاه از جمله سردار محمد باقری و سردار شهید علی هاشمی انجام داد. ایشان پس از مدتی به لشکر ۹ بدر رفت. مدتی در این لشکر به فرماندهی شهید اسماعیل دقایقی فعالیت کرد و با شهادت این سردار در عملیات کربلای ۵ در جایگاه رئیس ستاد این لشکر به فرماندهی حاج محمدرضا نقدی مشغول فعالیت شد. حاج شعبان نصیری با آغاز درگیری‌های سوریه و عراق راهی دمشق، حلب، کربلا و سامرا شد. ایشان حضور مؤثری در سوریه داشت و رفاقت و نزدیکی‌اش با فرمانده دلاور نیروی قدس سپاه، سردار حاج قاسم سلیمانی باعث شده بود از مشورت‌های او در عرصه‌های مختلف استفاده کند تا اینکه در منطقه عمومی تل‌عفر در غرب موصل و در شب اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۸ (حدود ساعت ۷ عصر جمعه ۵ خرداد ۱۳۹۶) همراه جمعی از دوستانش طی عملیات آزادسازی «موصل» در کمین تله انفجاری داعش افتاد و به شهادت رسید.

مطالعه این کتاب برای نسل‌های جوان کشور را چقدر ضروری می‌دانید؟

این کتاب سبک زندگی انسان منحصربه‌فردی است که توجه زیادی به جوان‌ها داشت. نسلی که جامعه عصر ظهور را تشکیل می‌دهد و تربیت نسل به عهده آنها خواهد بود، در کانون توجه ایشان قرار داشت، لذا خواندن کتاب برای همه جوان‌ها جالب و تأثیرگذار است. بعد از دوسال کار شبانه‌روزی برای این شهید به این نکته رسیدم که به قول خود شهید باید مراقب باشیم هدر نرویم و برای اصلاح جامعه و رسیدن به اهداف متعالی اول باید از خودمان شروع کنیم.

همانطور که حضرت آقا فرمود گفتن از سبک زندگی شهدا نیاز جامعه امروز است در زمانی که فاصله‌های طبقاتی هر روز بیشتر می‌شود و زیاده‌خواهی عده‌ای موجب تضعیف گروه‌های مستضعف جامعه شده، ساده‌زیستی و سبک زندگی شهدا کمک‌کننده است. وقتی بسیاری دنبال پست، مقام و شهرت رفتند، زندگی کسی که سال‌ها برای این مملکت زحمت می‌کشد و جان فدا می‌کند، ولی حاضر نمی‌شود دنبال گرفتن درجه برود و به قول حاج قاسم سلیمانی اصرار بر گمنامی دارد تلنگری خواهد بود که اگر خوب به آن پرداخته شود، نتایج مؤثری در پی خواهد داشت.

چقدر برای نوشتن کتاب‌های دیگر در این زمینه انگیزه دارید؟

دوست دارم باز هم برای شهدا بنویسم. کارهای بیشتری برای شهید نصیری در برنامه‌های تیم ما قرار دارد که ان‌شاءالله اگر خود شهید نظر کند کارهای خوبی خواهد شد. وسعت زندگی شهدایی چون سردار شعبان نصیری در قالب یک کتاب نمی‌گنجد. ایشان فعالیت‌های فرهنگی بسیاری در کارنامه خود داشت. به همین دلیل ما تنها به بازگویی بخشی از زندگی این سردار اکتفا کردیم. این کتاب قطره کوچکی از زندگی شهید نصیری است و برای شناساندن ایشان کار زیادی در پیش داریم. یادم می‌آید یک‌بار در مصاحبه‌ای گفت: «چرا شهدا را آدم‌هایی بزرگ و دست‌نیافتنی معرفی می‌کنید. من که چیز غیرمعمولی در آنها ندیدم. باور کنید آنها آدم‌های معمولی‌ای بودند.» خودش هم همین‌طور بود. خیلی معمولی. مانند بقیه آدم‌ها ناراحت می‌شد، خوشحال می‌شد، جواب تلفنش را اگر نمی‌دادی دلخور می‌شد و قهر می‌کرد، جوک می‌گفت، مسافرت می‌رفت، محبت می‌کرد، عشق می‌ورزید، می‌گفت و می‌خندید، فال حافظ می‌گرفت و ... حاج شعبان درست می‌گفت، شهدا را نباید موجودات عجیب و غریب جلوه دهیم. همه ما قابلیت شهید شدن را داریم، فقط اگر در دریای مواج آرزوهای دنیایی غرق نشویم. ما هم می‌توانیم هیچ‌وقت نمیریم! جاودان شویم با شهادت، اگر مشغول بازی نشویم.

به قول حاج شعبان: «آدم‌ها همانطوری که زندگی می‌کنند می‌میرند، درست مثل دقایقی که شهید زندگی کرد و شهید مرد.» درست مثل خودش! ما هم می‌توانیم شهید شویم، اگر بخوانیم حاج شعبان را... بفهمیم حاج شعبان را...

همانطور که پیشتر گفتید شهید تأثیر زیادی در زندگی شما و شناخت صحیح مسیر زندگی‌تان داشت. به نظرتان با نگارش این کتاب حق شاگردی را ادا کردید؟

من تا ادای حق شاگردی نسبت به استاد عزیزم شهید حاج شعبان نصیری فاصله زیادی دارم حتی اگر تمام عمر مثل دو سال گذشته وقت بگذارم و کار کنم. امیدوارم مزد زحماتی را که شهید سال‌ها نسبت به من و آینده‌ام کشیدند با نوشتن از زندگی‌شان و شناساندن ایشان به نسل جوان و مخاطبان بدهم. این امر برای من یک آرزوی دست نیافتنی شده است که شاید خیلی با تحقق آن فاصله داشته باشم. من این کتاب را به محضر حضرت صاحب‌الزمان(عج) و رهبر عزیزم تقدیم می‌کنم. امیدوارم با نگارش و تدوین این کتاب، قدم مؤثری در فضای جامعه امروز به حد توان خود در عرصه ترویج سبک زندگی شهدا برداشته باشم.

فکر می‌کنید ادبیات چقدر می‌تواند در این فضای جامعه تأثیرگذار باشد؟

همه با هم باید برای کار تلاش کنیم، البته عملکرد فعالان فرهنگی در وضعیت کنونی جامعه تأثیرگذار است. باید برای مطالعه و کتابخوانی از روش‌های خلاقانه استفاده و در این زمینه فرهنگ‌سازی شود. شیوه نگارش کتاب هم خیلی مهم است. کتاب باید با توجه به نیاز و سلیقه مخاطب به شیوه‌های جذاب تألیف شود.

گفت‌وگوی «جوان» با رهیافته‌ای که یک اتفاق مسیر زندگی‌اش را تغییر داد

قرآن سبک زندگی من را عوض کرد

■ معصومه طاهری

محمد عرب، مهندسی ایرانی است که خیلی‌ها او را به واسطه برنامه ماه عسل و روایت سرگذشت زندگی‌اش می‌شناسند؛ کسی که همراه خانواده از ۱۴ سالگی در لس‌آنجلس زندگی کرده است. هرچند ایرانی و مسلمان بود، اما به گفته خودش از اسلام هیچ اطلاعی نداشت جز نامش که محمد بود. محمد در طول سال‌ها زندگی و کار در امریکا به دلیل شرایط و فضایی که وجود داشت خود را به لذایذ دنیوی مشغول کرده بود تا اینکه در عنفوان جوانی یک اتفاق مسیر زندگی او را تغییر داد و به مدد قرآن و انس با آن محمد دیگری شد. به تازگی و به همت انجمن اسلامی شهید ادوارد و آنیلی کتاب زندگی او نیز با نام «تولد در لس‌آنجلس» منتشر شده است.

چه اتفاقی افتاد که زندگی شما تغییر کرد؟

خواست خدا بود که شامل حالم شد. برزیل کشوری است که بزرگ‌ترین و معروف‌ترین کارناوال‌های دنیا را دارد. از همه جا توریست‌ها برای گذران ساعاتی پر عیش و نوش راهی آنجا می‌شوند. من هم که تمام برنامه‌های لس‌آنجلس برایم تکراری و خسته‌کننده شده بود تصمیم گرفتم راهی برزیل شوم. این سبک زندگی و خوشگذرانی برایم شیرین بود. هنگام رفتن خواهر بزرگم من را از زیر قرآن رد کرد تا محفوظ باشم. از نظر من این یک حرکت خرافی بود. قرآن را از او گرفتم تا ببینم چه چیزی دارد و بتوانم خواهرم را از این تفکر خرافی دور کنم. آن شب در هتل برزیل برای اینکه خوابم ببرد چند صفحه اول قرآن را خواندم تا رسیدم به آیه‌ای از سوره بقره با این مضمون که خدا می‌فرماید: «اگر شما را شکی است در قرآن که توسط یک انسان نوشته شده است مانند آن یک سوره بیاورید.» تعجب کردم انگار این آیه تلنگری به شک و تردید من بود. نتوانستم بمانم. همان شب از هتل بیرون رفتم تا از آنجا دور باشم که سر از جنگل‌های آمازون درآوردم. ۴۰ شبانه‌روز آنجا بودم. قرآن را هر روز می‌خواندم. دوسوم قرآن را در این مدت خوانده بودم. قرآن زندگی‌ام را زیر و رو کرده بود.

گویا برای شناخت قرآن از استاد یهودی دانشگاه هم کمک گرفتید، درست است؟

بله، برای فهم بیشتر به دانشگاه نزد دبیر ادبیاتمان رفتم که عربی تدریس می‌کرد تا از او درباره قرآن سؤال کنم. گفتم من محمد هستم. شما که عربی درس می‌دهید در قرآن آمده است کسی نمی‌تواند مشابه این آیات بیاورد منظورش چیست؟ گفت من یهودی هستم و اطلاع دقیقی در این باره ندارم ولی این را می‌دانم که اگر کتاب قرآن شما نبود زبان عبری هم در طول تاریخ ازبین رفته بود. به واسطه ریشه ادبیات این کتاب، زبان عبری هم محفوظ مانده است. من آن زمان متوجه شدم قرآن برای حفظ و نگهداری آمده تا انسان‌ها به تاریخ بپردازند چون تاریخ لابراتوار انسان‌هاست.

قرآن چطور سبک زندگی شما را تغییر داد؟

وقتی متوجه شدم قرآن کتاب الهی است تصمیم گرفتم زندگی‌ام را تغییر بدهم چون قبل از آن فقط اسم مسلمانی داشتم هرچند هیچ وقت اجازه نمی‌دادم کسی به مبانی اسلام توهین کند. از آن به بعد باید به عنوان یک مسلمان نماز می‌خواندم و روزه می‌گرفتم. چند روز بعد از بازگشت از جنگل‌های آمازون به خانه برگشتم. فهمیدم بخشی از سفر من در ماه رمضان بوده است. تصمیم گرفتم قضای روزه‌هایم را بگیرم و روزه گرفتم. خواهرم گفت بیا ناهار بخور گفتم روزه‌ام. گفت چرا؟ گفتم خدا فرموده است اگر درماه رمضان نتوانستید روزه بگیرید قضای آن را به جا آورید، ولی نماز خواندن بلد نبودم. خواهرم کسی را می‌شناخت. معرفی کرد تا به من نماز یاد بدهد. در واقع من با نماز و روزه فرهنگ غلط زندگی‌ام را تغییر دادم. مشروبات الکلی و آلات موسیقی را از خانه‌ام دور ریختم و خانه را پاکسازی کردم. دوستان از من می‌خواستند تا به لاس وگاس، کارناوال و پارتی‌های مختلف بروم ولی دیگر قبول نمی‌کردم.

وسوسه هم می‌شدید تا راهی را که انتخاب کرده بودید رها کنید؟

خیلی سعی می‌کردم تا با منش و سبک زندگی قبلی‌ام کاملاً فاصله بگیرم. در خانه همه مشروبات و نوشیدنی‌های الکلی را دور ریختم و دیگر به محافل مختلط و گناه‌آلود نمی‌رفتم. یادم است یک بار به اصرار دوستان به کنسرت یکی از خواننده‌های مرد ایرانی در لس‌آنجلس رفتیم. وسط ترانه خوانی گفت ماشاءالله. یکمرتبه انگار تلنگری برای من باشد یادم آمد که ای داد نماز عشایم را نخواندم! رفتم بیرون و نمازم را خواندم و برگشتم. هنگام ورود به سالن کنسرت دیدم شرایط خوبی نیست و همه حاضران دانسته یا نادانسته حکم خالقی که من سجده به او کردم را زیر پا گذاشته‌اند. با خودم گفتم محمد این درست نیست تکلیف خودت را مشخص کن یا با خدا باش یا با اینها و از آنجا رفتم. این تذکر و تلنگری از سوی خدا بود تا از فضای گناه دور شوم و شیطان من را وسوسه نکند.

شما با خواندن قرآن متحول شدید. به نظرتان صرف خواندن قرآن کافی است؟

مسلماً خیر، چون اگر خود من هم فقط به خواندن قرآن اکتفا می‌کردم شاید داعشی خوبی می‌شدم، زیرا خواندن قرآن بدون شناخت به انسان اعتمادبه‌نفس کاذبی می‌دهد تا هر برداشتی از مفاهیم و آیات آن داشته باشد. قرآن کتاب ویژه‌ای است و ذهن را به شبهات می‌رساند تا درباره آنها تفکر داشته باشیم، لذا اگر جواب صحیح به سؤالات و شبهات ایجاد شده بدهیم راه درست را طی کرده‌ایم. من خودم برای فهم قرآن آن را ۲۲ بار خواندم و هر بار احساس کردم مشکلات و سؤالات ذهنی‌ام بیشتر می‌شود. در دانشگاه یک اسلام‌شناس به من گفت اگر کسی می‌خواهد درک دقیقی از قرآن داشته باشد باید دو اصل را رعایت کند؛ یکی تاریخ و دیگری شأن نزول قرآن تا متوجه مفاهیم قرآنی شود. مثلاً در سوره بقره آیه ۱۲۴ خدا می‌فرماید: «ای ابراهیم ما تو را به عنوان پیامبر برگزیدیم. حضرت ابراهیم فرمود این رسالت به فرزندانم هم می‌رسد؟» مفهومش برایم سخت بود ولی بعد از آن متوجه شدم باید سراغ اهل بیت و امامت و فهم تاریخی بروم تا چراهایی که در ذهنم ایجاد شده است را برطرف کنم.

کتابی که برای فهم بهتر قرآن پیشنهاد می‌دهید چیست؟

نهج‌البلاغه کلام امام علی است؛ کتابی شریف و ارزشمند که توصیه می‌کنم خوانده شود ولی برای خود من خواندن آن خیلی سخت بود. گاهی با یک خط از نهج‌البلاغه بغض گلویم را می‌گرفت و گریه می‌کردم. کتاب را می‌بستم و فردا شب دوباره آن را می‌خواندم. واقعاً کشش مطالعه ادامه کتاب را در همان شب نداشتم. خیلی برایم مفاهیمش سنگین بود. خدا را شکر امروز تفاسیر نهج‌البلاغه به وفور و زبانی ساده نوشته شده است.

شما گویا خاطره‌ای هم از برادر مایکل جکسون دارید؟

یک بار در مسیر کارم همراه خانواده بودم که برادر بزرگ‌تر مایکل جکسون را دیدم. اسمش جرمی جکسون بود که توسط امام جماعت ایالت شیعه شده بود. او در سنت ماریا سکونت داشت د.ر عین حال هم یک برنامه رادیویی راه‌اندازی کرده بود و درباره اسلام با مردم امریکا حرف می‌زد. او گفت برنامه من را دیدی؟ من از این برنامه خیلی استفاده بردم و تأثیرات خوبی داشت. خوشحال بود که توانسته بود برای آشنایی مردم امریکا با حقیقت اسلام کاری کند، اما متأسفانه چند سال بعد به طرز مشکوکی کشته شد و مانند ادوارد و آنیلی پزشکان حتی جسد او را بررسی نکردند تا علت مرگش کشف شود و او را سریع دفن کردند.

آگهی تغییرات شرکت ریگزار سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۶۶۹ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۷۹۰۴۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمد خردمندان به کد ملی ۰۰۴۴۰۵۸۲۸۴ - نجمه الملوک فرهی منش به کد ملی ۰۰۴۳۲۸۲۶۱۱ و علیرضا خردمندان به کد ملی ۴۷۲۱۷۹۸۰۴۰ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. موسسه حسابرسی اطهر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۷۶۶۱ به عنوان بازرس اصلی و میثم زمانی جهرودی به کدملی ۰۰۱۴۸۲۷۴۶۸ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۳۷۵۸۳)

آگهی تغییرات شرکت پیشتازان علم و دانش امیر کبیر با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۵۱۱۲۶۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۸۵۲۲۰۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۴/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - تعداد اعضاء هیئت مدیره شرکت مرکب از ۲ نفر می باشد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۳۷۵۸۸)

آگهی مفقودی

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ تیپ ۲۰۶TU۳ مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید روغنی و شماره پلاک ایران ۳۸- ۱۱۴ ب ۹۴ و شماره موتور ۱۴۱A۰۰۰۳۵۴۴ و شماره شاسی NAAP03E-D9CJ متعلق به آقای سید احسان موسوی به شماره ملی ۴۲۶۰۲۲۱۱۳۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری امین اعتماد سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۳۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۷۳۱۹۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: حدود اختیارات و وظایف مدیر عامل به شرح ذیل تفویض گردید: ۱. نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام، اشخاص ثالث و کلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی. ۲. تنظیم و پیشنهاد آیین نامه های داخلی شرکت جهت تصویب در هیئت مدیره. ۳. نصب و عزل کلیه مأموران و کارکنان شرکت. ۴. تعیین شغل و حقوق، دستمزد، پاداش، ترفیع، تشویق و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خرج آنها ازخدمت و بازنشستگی و مستمری وراث آنها بر اساس آیین نامه‌های مصوب. ۵. پیشنهاد برنامه و بودجه شرکت مطابق سیاست های ابلاغی هیئت مدیره. ۶. افتتاح هر نوع حساب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانکها و موسسات اعتباری مجاز. ۷. دریافت مطالبات شرکت. ۸. ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجاری. ۹. تقدیم درخواست و پیگیری ثبت هرگونه اختراع و یا نام و نشان و تصویر و علائم تجاری و یا خرید و تحصیل و یا فروش و یا واگذاری اختراعات و ورقه اختراع و یا هر گونه حقوق و اختیارات مربوط به آنها. ۱۰. تقاضا و اقدام برای ثبت هر گونه علامت و نام تجاری در جهت تحصیل منافع شرکت. ۱۱. عقد هر گونه قرارداد اجاره چه شرکت موجر باشد و چه مستأجر و اقاله و فسخ آنها و تقاضای تعدیل اجاره بها و تخلیه عین مستأجره. ۱۲. تحصیل تسهیلات از بانک‌ها، شرکتها و موسسات رسمی پس از تصویب هیئت مدیره. ۱۳. طرح و اقامه هر گونه دعوی اعم از حقوقی و کیفری به طرفیت اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و دفاع از هر گونه دعوی اعم از مدنی و جزائی در کلیه مراجع و در تمامی مراحل با حق پژوهش، تعیین وکیل، ادعای جعل نسبت به سند طرف تعیین جاعل، تعیین وکیل، تعیین مصدق و کارشناس، خواه در ماهیت دعوی. خواه در امری که کاملاً قاطع دعوی باشد. دعوی خسارت، دعوی جلب ثالث و ورود ثالث و دعوی متقابل و دفاع از دعوی مذکور، تأمین مدعی به، تقاضای توقیف اشخاص و اموال از مراجع اداری و قضائی، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به تودیعی چه در دادگاه و چه در ادارات و دوایر ثبت اسناد. ۱۴- تنظیم خلاصه صورت دارایی و بدهی های شرکت هر شش ماه یکبار و ارائه آن به بازرس شرکت. ۱۵. تنظیم صورت دارایی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین تنظیم ترازنامه و حساب عملکرد سود و زیان شرکت جهت ارائه به هیئت مدیره شرکت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۳۷۵۶۵)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری امین اعتماد سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۳۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۷۳۱۹۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمود طهماسبی به شماره ملی ۰۰۴۶۴۵۸۹۵۶ به نمایندگی از موسسه صندوق ذخیره بسیجیان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۶۷۳۴ به سمت رئیس هیئت مدیره .و آقای احمد صادقی به شماره ملی ۰۴۹۱۴۱۱۹۱۱ به نمایندگی از شرکت سیمیا تجارت کاران آزاد (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۰۰۹۶۱۰ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای محمد آخوندی به شماره ملی ۲۱۶۰۰۸۸۳۲۳ به نمایندگی از شرکت فنی مهندسی کیمیا فرایند زرین سپهر ایرانیان (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۰۸۸۰۰۰ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای علی اصغر طراوتی به شماره ملی ۰۳۸۴۶۰۲۷۱۱ به سمت مدیر عامل عضو هیئت مدیره و آقای سعداله وارسته به شماره ملی ۰۰۴۹۲۳۵۶۸۰ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال تعیین گردیدند.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۳۷۵۶۴)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری امین اعتماد سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۳۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۷۳۱۹۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمود طهماسبی به شماره ملی ۰۰۴۶۴۵۸۹۵۶ به سمت رییس هیئت مدیره و آقای احمد صادقی به شماره ملی ۰۴۹۱۴۱۱۹۱۱ به سمت نایب رییس هیئت مدیره و آقای علی اصغر طراوتی به شماره ملی ۰۳۸۴۶۰۲۷۱۱ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل و آقای محمد آخوندی به شماره ملی ۲۱۶۰۰۸۸۳۲۳ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای سعداله وارسته به شماره ملی ۰۰۴۹۲۳۵۶۸۰ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۵۳۷۵۶۶)